

## نقش اعتماد در مذاکرات ۱+۵

### دست اندازهای مسیر تسلیم جمهوری اسلامی

(قسمت آخر)

امیر فیض- حقوقدان

کوشش مشترک همه ما بر این پایه است که حقوق حقه و مشروع ملت و ایران، در جریان مذاکرات ژنو، مصون و کاملاً تامین گردد. انجام این مهم مقتضی میسازد که بیشتر بدانیم و دانسته هارا سریعاً بکار بندیم، چه شرط تحصیل موفقیت دانستن است.

تحریر حاضر مقدمه ای است برای ایجاد تکلیف میهنی بزرگی که در پایان تحریر مقابل ماست.

\*\*

آنکس که ذکی است از تبارش پیداست از کار و تلاش، یا قرارش پیداست

این را تو بدان کز ابتدا میگفتند سالی که نکوست از بهارش پیداست

اشعاری را که این تحریر فرض گرفته است، می خواهد این راهنمایی کلی را داده باشد که از مقدمه میتوان ذوالمقدمه را تشخیص داد. حرفها و اعمال و اشارات و علائم و امثال آنها مسیری را تشکیل میدهند که حرکت در آن یعنی آگاهی و تسلط بر آنها نهایت مسیر را قابل تجسم میکند. حساسیت این علائم آن چنان قوی است که با آنکه سعی میشود ذوالمقدمه آشکار نباشد، باز و آشکار میگردد.

قبل از آنکه مسیر تسلیم جمهوری اسلامی و دست اندازهای آن پرداخته شود دویاسه موضوع تبعی است که چون بی ارتباط با مسیر تسلیم جمهوری اسلامی نیست وصف آنها بجاست.

### رافت و ترجم

وزیر خارجه جمهوری اسلامی به عذر کمر درد با صندلی چرخدار به کنفرانس آمد. البته حاضرین در کنفرانس، برسم معمول اطراف ظریف را گرفتند و توصیه های پزشکی و تجربی خودشان را به ظریف دادند و آقای ظریف هم علت قولنج و کمردرد خودش را اینطور تعریف کرد: درد از وقتی که تند روها در ایران به او حمله لفظی کردند پیداشد

یک مقام ارشد دولت آمریکا که در کنفرانس حضور داشت، در رابطه بانمایش آقای ظریف، با لبخند گفت: «منهم این کار را کرده ام - همه این کارها را کرده اند».<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - محمد مصدق مرتباً در مجلس غش میکرد و تنها پزشکی که مجاز بود او را درمان کند خویش خودش بود، و همواره در رختخواب مسایل مملکتی را رسیدگی میکرد. بنابراین مورد تازگی ندارد... ح-ک

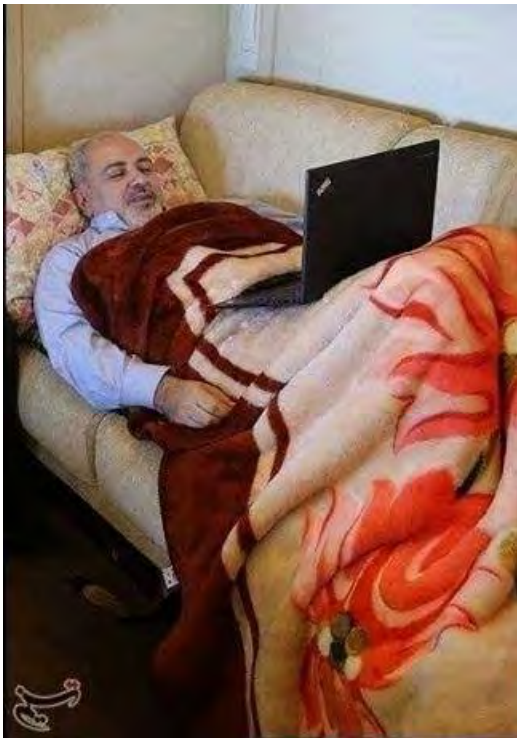
یعنی ما میدانیم که این یک تظاهر برای جلب ترحم است ماهم بمناسبت هائی از این طریق استفاده کرده ایم و در عبارت خودمائی <خرخودت هستی آقای ظریف و جمهوری اسلامی ات>.

اینکه همان مقام ارشد گفته؛ دیگران هم این کارها کرده اند نمونه بارز آن خانم کلینتون است که وقتی بمناسبت ترور سفیر آمریکا در لیبی به کنگره آمریکا برای توضیح دعوت شد، آن خانم هم گرفتار سر درد مدت داری شد تا موضوع رسیدگی به ترور سفیر آمریکا منتفی گردید.

فلسفه تربیتی و مذهبی آقای ظریف، برپایه توسل به رحم و شفقت برای فرار از مسئولیت و مظلوم نمائی است. مذهب شیعه با همین سیره، قوام خود را حفظ کرده است تمام وقایع مذهب شیعه برپایه مظلوم نمائی و سرکیسه کردن مردم از همین طریق پایه گذاری شده است.

آقای ظریف و مشاورانش هم برای شرکت در کنفرانس ژنو از همان سیره مظلوم نمائی استفاده کرده و خواسته است بگوید که با این حال نزار بواسطه علاقه ای که به پایان مشکل هسته ای دارم باصندلی چرخدار به کنفرانس آمده ام.

فکر میکنم همان جمله ای را که آن مقام ارشد آمریکائی گفت برای آقای ظریف بقدر کافی خجلت آور باشد که بداند مسائل سیاسی بین کشورها ترحم بردار نیست، گدائی نیست که بادست و پای بانداژ شده نصیب برد.



هم امروز که این تحریر تنظیم میشود خبرگزاریها خبر دادند که روحانیون سوریه فتوا داده اند که خوردن گوشت سگ والاغ حلال است، زیرا مردم سوریه از گرسنگی در حال مرگند - تا امروز ۵ میلیون سوری آواره وطن شده اند - سازمان ملل پیش بینی کرده که تا پایان سال ۲۰۱۴ تعداد آوارگان سوری به ۸ میلیون برسد - گروه حقوق بشر از بازداشت غیرقانونی پناهندگان سوری در مصر حکایت میکند و نوشته است که در بین بازداشت شدگان کودک یکساله هم وجود دارد (ماخذ بی - بی - سی).

این خبر رفت بار کوچکترین توجهی برای کشورهای جهان که عامل اصلی جریان سوریه هستند ایجاد نکرد - گزارش سازمان ملل مبنی بر اینکه تا پایان سال ۲۰۱۴ تعداد آوارگان سوری به ۸ میلیون خواهد رسید، نشانی از بزرگی بی توجی و عادی نگری وقایع سوریه است.

هر روز بلا استثنا چهل ویا پنجاه نفری در عراق بوسیله اعمال تروریستی کشته میشوند از ابتدای سال جاری تا کنون ۶۰۰۰ نفر در عراق کشته شده اند.

آیا کشورهای جهان و یاسازمان ملل متحد کوچکترین اقدامی و یا حتی اعتنایی به توقف این فاجعه میدهند که نمایندگان همان کشورها به کمر درد آقای ظریف عنایت خاص و ترحم مورد انتظار جمهوری اسلامی رابدهند؟

**این کارهای تقلیدی از دکتر مصدق در روابط سیاسی باکشورها رنگ وحنائی ندارد واقعا از شخصی که در مقام وزارت خارجه قرارداد چین اعمال رسوا شده بعید است.**

برعکس این تظاهرناشیانه ظریف این سیگنال رامیدهد که تیغ تحریم ها چنان رگ حیاتی جمهوری اسلامی را بریده است که وزیر خارجه اش با قولنج کمری خودش رابه جلسه رسانده است، بیچاره خیال کرده که اگر بهانه کمر درد خودش راوصل کند به حمله لفظی مخالفان ایرانی حل مناقشات هسته ای با غرب کار را فیصله میدهد. طرف ۱+۵ هم در گفتگو احتیاط میکند که آقای ظریف نرنجد که گزکی دست جمهوری اسلامی بدهد که غرب وزیر خارجه اش را کمری کرد.



### گزینه نظامی روی میز است

یکی از بهانه ها و اعتراضات جمهوری اسلامی تکرار عبارت گزینه های نظامی روی میز است، میباید که از طرف آمریکائی ها در کنار مذاکرات عنوان میشود.

جمهوری اسلامی توقع دارد که آمریکا از جمله مزبور استفاده نکند و میگوید باب مذاکرات با استفاده از چنین عباراتی منافات دارد. به هیچوجه منافات ندارد.

۱- جواد ظریف گفته است: «رابطه با آمریکا میتواند مفید باشد اما هرگز نمیتواند دوستانه باشد»

یعنی رابطه با آمریکا ممکن است مفید باشد و یانباشد و اما حتما غیردوستانه یعنی دشمنانه خواهد بود.

ماهیت اظهارات وزیر خارجه جمهوری اسلامی و همچنین آقای عراقچی دلیل ادامه دشمنی و تخاصم بین جمهوری اسلامی و آمریکا است، درست مانند جنگ فیزیکی بین دو کشور، که در عین اینکه مذاکرات برای صلح و آتش بس و یا تسلیم جریان دارد، جنگ هم ادامه خواهد داشت و پس از قرارداد آتش بس و یا تسلیم، تخاصم و تبلیغ له و یا علیه متوقف میشود.

هیچ سابقه ندارد طرفی که در حال فروریزی و اضمحلال است به محض تقاضای گفتگو، طرف دیگر دست از مخاصمه بردارد.

۲- در همین روز ها که مذاکرات جاری است و آمریکا از جمله مزبور استفاده میکند شعار مرگ بر آمریکا هم در ایران جاری است، چگونه مرگ خوبست برای همسایه، ولی تکرار جمله گزینه نظامی روی میز است بد است و حالت تهدید دارد؟

۳- شعار مرگ بر آمریکا که کاملاً مفهوم آن معلوم است و همچنین روابط خصمانه ای که آقای ظریف به آن تمسک بسته خوب ولی آیا عبارت گزینه نظامی روی میز است جای ایراد و اعتراضی برای جمهوری اسلامی به وجود می‌آورد؟ اعتراض قانونی خیر ولی بهانه حتماً.

آیا در قوانین آمریکا و یاسازمان ملل تاکیدی وجود دارد که کشوری که می‌خواهد به کشوردیگری حمله نظامی کند باید قبلاً اعلام کند که «پرونده حمله نظامی روی میز است» و اگر اعلام نکند خلاف منشور سازمان رفتار کرده؟ و اگر اعلام بکند این اعلام جواز حمله به کشورهای دیگر است و اگر اعلام نکند موضوع حمله نظامی منتفی است (بهانه مبتذل یعنی همین).

اساساً چیزی و یا پرونده ای که روی میز رئیس یک کشور است به کشوردیگری چه ارتباط دارد مگر انسان ضامن است که چه چیز هائی در شلوار دیگران است.

۴- می‌گویند جمله مزبور نوعی تهدید است، محتوای جمله مزبور تهدید هست ولی نه در رابطه با رئیس جمهور کشوری که اقتدارش در حمله به کشورهای دیگر مهار در منشور سازمان ملل و شورای امنیت و کنگره است.

و اگر هم گفته شود که آمریکا کشوری نیست که به منشور سازمان اهمیت بدهد، بنابراین ذکر جمله مزبور و یا عدم آنهم علی السویه است.

۵- تمسک جمهوری اسلامی به جمله مزبور چیزی جز نشان وحشت دائم جمهوری اسلامی از مخاطرات با آمریکا نیست، درست همانند پرونده جنایتکاری که روی میز قاضی است و آن جنایتکارانگران تصمیم دادگاه به آن پرونده است.

### بهانه سوم باز هم توقع از سر نادانی

آقای ظریف در کتابش بموضوعی اشاره کرده که نشانی از توقع از سر نادانی است. توضیح اینکه همانطور که مستحضرید خانم آلبرایت وزیر امور خارجه وقت آمریکا بمنظور زمینه سازی برای برقراری رابطه با ایران مطالبی را درباره دخالت کشور خود در جریان ۲۸ مرداد عنوان کرد.

ظریف در کتابش به آن اظهارات آلبرایت بهایی نداده و این اعتراض را عنوان کرده که آلبرایت در سخنرانی اش از اصطلاح بخش های انتخابی و بخش های انتصابی برای توصیف ساختار حکومت اسلامی استفاده کرده و این بدان معناست که ساختار حکومت ایران به خوب و بد قابل تقسیم است و این یک حرکت مزورانه است، ظریف پرسیده است «چرا آلبرایت به این کار احمقانه دست زد».

حد نادانی و توقع زیادی آنهم از سرنفهمی رامی ببینید؛ البته که بخش های هر حکومتی متشکل از انتخابی و انتصابی بودن است، در این جمله چه تزویری نهفته است که فقط ایشان آنرا درک کرده است و آنهم در حدی که احمقانه تلقی شود، خود آقای ظریف را مردم انتخاب کرده اند یا منتصب روحانی است؟

کتاب مزبور در سالهائی نوشته شده است که جمهوری اسلامی در مسیر تسلیم قرار نگرفته بود و ظریف هم در موقعیتی نبود که استفاده از واژه احمق حمله لفظی تلقی و ایشان قولنج بکند.

حال جمهوری اسلامی در مسیر تسلیم است، درست همانند فرماندهی که می‌خواهد پرچم سفید تسلیم را بلند کند ولی یکی از سربازانش تیری بدشمن می‌اندازد البته که فرمانده کم‌رود می‌گیرد زیرا برنامه تسلیم متوقف می‌شود.

### علائم و نشانی های تسلیم

نخست باید بین تسلیم با سازش کردن و شکست قائل به تفاوت بود، و باز باید بین شکست موضعی و شکست نهانی که به معنای انهدام قدرت است، راه تفاوت را منظور داشت.

جمهوری اسلامی در مسیر تسلیم است نه سازش و تسلیم جمهوری اسلامی هم بمناسبت شکست موضعی است نه انهدام کل قدرت جمهوری اسلامی (این چیزی که جمهوری اسلامی می‌خواهد).

شکست موضعی جمهوری اسلامی بمعنای آنست که جمهوری اسلامی در تحمل حملات تحریم ها در رابطه با مناقشات هسته ای شکسته شده است، درست همانند آنکه فرماندهی از حفظ یک موقعیت استراتژی در جنگ بمناسبت حملات دشمن عاجز میماند و قصد تسلیم کردن آن موقعیت را به دشمن دارد.

در این حالت، دیگر بادشمن است که به همان موفقیت قانع باشد و یا حملات را ادامه دهد تا طرف منهدم شود، شیوه آمریکایی ها در جنگها نشان از پیروزی محدود نیست بلکه بر طریق انهدام کامل از باب سیاسی و اقتصادی و نظامی طرف منازعه مستقر است، نمونه ها (جنگ جهانی دوم - عراق - افغانستان - لیبی - و اکنون هم سوریه)

همانطور که آقای ظریف و عراقی چی گفتند <لازم نیست که طرفین مذاکره به یکدیگر اعتماد داشته باشند> تسلیم موضعی نیازی به اعتماد ندارد امری جبری است، بلند کردن پرچم سفید چه نیازی به اعتماد دارد.

**حاشیه** = در روز دوم کنفرانس ژنو آقای ظریف گفت <این مذاکرات بیش از هر چیزی برای ایجاد اعتماد متقابل است، هر چند که از نظر ما دلیلی بر بی اعتمادی وجود ندارد>. یادتان باشد که در سه روز قبل همین آقای ظریف گفته بود <رابطه با ایالات متحده میتواند مفید باشد اما هرگز نمیتواند دوستانه باشد> و عراقچی هم بی نیازی جمهوری اسلامی رابه اعتماد سازی عنوان کرد.

جمهوری اسلامی بقدری باشتاب به سوی تسلیم حرکت دارد که نمیداند دیروز چه گفته است (پایان)

فکر نمیکنم که نیاز باشد که این تحریر به اثرات تحریم ها و شکست کمر اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی معطل شود زیرا <معلوم رابه حجت نیاز نیست>

### اسناد تسلیم

معتبرترین سندی که دلالت بر حرکت جمهوری اسلامی در مسیر تسلیم موضعی دارد اظهارات خامنه ای در قبل از آغاز حرکت در مسیر تسلیم است.

«ماهیچ احتیاجی نداریم که دشمنان قسم خورده ما مثل آمریکا برای ما دل بشوراند و ما هیچ به دنبال مذاکره با آمریکا نیستیم. من با مذاکره با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری اسلامی بدون اجازه من امکان ندارد چنین کاری را بکند»

درنوروز امسال خامنه ای سخنانی را گفت که پیش در آمد حرکت با پرچم تسلیم شناخته میشود.

یک مفسر سوئدی سخنان نوروژی خامنه ای را چنین تفسیر کرده است:

«درسخنان نوروژی خامنه ای، علامت تسلیم بوضوح ظاهر شد، هرچند که او ادعا کرد که تحریم ها تاثیری برکشور ندارد ولی وقتی گفت که اقدامات نظام برای رفع رکود درسال گذشته موفق نبوده و بعد هم اضافه کرد که مشکلات اقتصادی کشور باحماسه و جهاد و توکل به خدا حل میشود» مسیرتسلیم را ترسیم کرد».

دربرابری این دو اظهارات خامنه ای میتوان به این نتیجه رسید که اکنون یعنی ازهمان اوایل سال جدید خامنه ای هم احتیاج به مذاکره با دشمن قسم خورده (آمریکا) را احساس کرده و هم نیازی به رحم و مدارای آمریکا و هم به دولت جمهوری اسلامی اجازه کرنش با آمریکا را آنهم در آن حد مدانه داده است.

درسال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ هم ظریف و هم روحانی درهینت مذاکره کننده باغرب حضورداشتند و درآن دوسال هیچ تحرک و عجله ای درحل مناقشه اتمی باغرب از آن هینت و همین آقایان دیده نشد که جراند تهران نوشتند: «دوسال فرصت از دست رفت».

ولی اکنون همین حضرات یعنی روحانی و ظریف شتابی فوق العاده دارند که مناقشه اتمی درمدت کوتاه دوسه ماه حل و فصل شود ظریف درسخنان خود درژنو «خواستار هرچه سریعترراه حل قطعی شد» این چیزی نیست جز فشارتحریم ها و ناچاری جمهوری اسلامی به حرکت درمسیرتسلیم. تنها درمسیر تسلیم است که تسلیم شونده هرلحظه که تاخیرشود به تلاشی نزدیک میشود و برعکس برای طرف پیروز هیچ علاقه ای به سرعت درکار نیست.

### معادله ای که میتواند قابل تحسم بشود

هرچند از فحوی مذاکرات و نظر ارباب جراند برداشتن تحریم های علیه جمهوری اسلامی آنطورکه جمهوری اسلامی خواستار است ممکن نیست ولی این معادله هم خود نماست که اگر غرب علاقه ای به سرعت دادن به مذاکرات از خود نشان ندهد یعنی همان سیاست جمهوری اسلامی را در گذشته تعقیب کند و در نهایت به تحریم های اضافی هم مبادرت کند (زیرا هیچ پیش شرطی درباره تحریم ها در شروع مذاکره نشده است) وضع اقتصادی جمهوری اسلامی به کجا خواهد کشید؟ از آنجا که تحریم اولیه علیه ایران بوسیله شورای امنیت مشتمل برتوقف غنی سازی اورانیوم صادر شده و به اعتبار عدم قبول و تسلیم آن از طرف جمهوری اسلامی کنکره آمریکا و کشورهای اروپایی تحریم های مفصلی از جمله بانک ملی ایران را تحمیل جمهوری اسلامی کردند، برداشتن تحریمهای کنگره و کشورهای اروپایی منوط خواهد شد به قطعنامه شورای امنیت یعنی جایی که آمریکا میتواند با استفاده از حق و تو جمهوری اسلامی را از مرحله تسلیم موضعی به انهدام و تلاشی بکشد.

یکی از روسای سابق آژانس اتمی اظهار نظر کرده است که به مجرد موافقت ۱+۵ قطعنامه شورای امنیت بخودی خود باطل میشود، نظریه مزبور قابل تامل است. قطعنامه های شورای امنیت را فقط قطعنامه بعدی میتواند نسخ و از اثر ساقط سازد، جمهوری اسلامی حتی با قبول قطعنامه یعنی توقف کامل غنی سازی اورانیوم از تحریم ها خلاص نمیشود مگر آنکه موضوع در شورای امنیت مطرح و شورا تصمیم به لغو تحریم ها بگیرد.

### نتیجه مبنی از این تحریر

ماهیت حقوقی مذاکرات ۱+۵ با جمهوری اسلامی تحمیل شرائطی از جانب کشورهای خارجی به حکومتی است که غاصب حکومت وکشور ایران بوده ودر فلسفه اعتقادی آن حکومت، ایران و حقوق حقه ملت ایران جایگاه مشخص و تضمین شده ای ندارد، جمهوری اسلامی در معامله با غرب تنها به بقا و حقوق غاصبانه خود می اندیشد نه منافع و حقوق ایران، و غرب هم به امتیازاتی که مترصد و به شکار آن کمر بسته است، در این میان حقوق حقه ایران چه میشود؟

ماجرائی شبیه همین مذاکرات غرب و جمهوری اسلامی در پایان جنگ عراق و صدور قطعنامه شورای امنیت پیش آمد، و در آن زمان چندین شماره سنگر به قطعنامه شورای امنیت و خطراتی که مذاکره بین عراق و جمهوری اسلامی در نادیده گرفتن حقوق ایران وجود دارد مطرح گردید، و پیشنهاد شد که **اعلیحضرت یک شورای نظارت بر مذاکرات صلح عراق و ایران تشکیل بدهند تا در صورتی که مواردی سبب تضییع حقوق ایران میشود اعتراض کنند، که لاقلاً دلیلی باشد که گروهی از ایرانیان تضییع حقوق ایران را قبول ندارند.** (مشروح درسنگر ۱۵ شهریورماه ۶۷) ولی اعتنائی نشد و همانطور که میدانید حدود ۷۰۰ میلیارد دلار خسارت جنگی ایران خیلی مفت و بدون هیچگونه اعتراضی پایمال شد.

### اما اکنون

**درست است که تحریم های غرب با مشاورت و خواست تاکیدی بخشی از ایرانیان خارج از کشور تحمیل ملت ایران شده است ولی اکنون فرصتی است که آنان رفع مکافات کنند و کسانی که مدعی داشتن تشکیلات سیاسی هستند، روند مذاکرات و توافقهای غرب و جمهوری اسلامی را کنجاوانه زیر نظر داشته، نسبت به تضییع حقوق حقه ایران لاقلاً اعتراض کنند که این اعتراضات زمینه ای باشد برای استفاده از آن در آتیه. اعتراض گرچه ترتیب اثر داده نشود ولی پایگاهی است که همواره میتوان از آن استفاده کرد و به جلو رفت و سکوت ایرانیان به توافق کشورهای ذاتا متجاوز و جمهوری اسلامی بی علاقه به ایران و منافع ایران و غاصب حقوق ملت ایران راتثبیت میکند.**